

در اسلام برخی احکامی ویژه بانوان وجود دارد که گاه متناسب با شرایط زیست‌شناختی آنان است و گاه نیز چنین نیست، بلکه می‌توانست با مردان مشابه باشد اما در عین حال این احکام زنان با مردان متفاوت است. احکامی چون: عدم وجوب نماز و روزه در ایامی خاص، عدم استحباب جمعه، جماعت، تشییع جنازه و نظایر آن، عدم استحباب هروله در سعی، عدم حرمت لباس دوخته در احرام و عدم حرمت یا کراهت بیش از دو لباس در احرام، کراهت حرکت از وسط جاده و یا استحباب حرکت از کنار جاده، جداسازی محل نماز زنان از مردان و وجوب یا استحباب تأخر زن از مرد در صف نماز، عدم وجوب چهار در نماز صبح و مغرب و عشا برای زن و نظایر آن. تفاوت در این احکام می‌تواند تحلیل و دلالت‌های مختلفی داشته باشد. در این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی به تحلیل تفاوت احکام زن و مرد پرداخته شده و نتایج حاصل‌گویی آن است که به لحاظ تربیتی شارع می‌خواهد زنان را از مردان جدا کند و آنها را چندان وارد میادین عمومی و یا میدانی که مردان وارد می‌شوند نکند، مگر در موارد ضرورت و یا دست کم این که تداخل زن و مرد در این میادین و یا به طور کلی اختلاط آنها را نمی‌پسندد و تشویق نمی‌کند، گرچه جایز می‌داند، اما جدایی و عدم تداخل را تشویق می‌کند؛ چرا که اختلاط زن و مرد و ورود زنان به میادین عمومی آثار تربیتی منفی دارد.

کلید واژه ها: دلالت‌های تربیتی، احکام بانوان، جنسیت، دیدگاه اسلامی

Analysis of some rulings of women and their moral-educational implications in the family from the perspective of Islam

there are some special rules for women in islam , sometimes according to their biology conditions and sometimes it is not the same with men but also it is different with men . decrees such as : the lack of obligatory prayer in a period of time , lack of islam , funeral procession and etc , separation of women from the middle of road , separation of women from the middle of road , separation of women from men and necessity or maturity of women from men in the queue of prayer , non - necessity of prayer in every morning and evening . the difference in these sentences can be different in different ways , but one of them is that the legislator is going to separate women from men and not encourage them to enter the public fields or when men do not mix them and not encourage them . in this article , educational analysis of these special sentences of women will be discussed .

Educational implications, women's verdicts, Gender, Islamic view

۱- مقدمه

احکام اسلامی و تکالیف شرعی مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است که بر آنها مترتب است. گرچه در بیشتر موارد این مصالح و مفاسد بر مکلفان پوشیده است، اما چنان نیست که اگر در آنها تأمل و

^۱ . دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ali_hosseini@rihu.ac.ir

تفکر شود آشکار نگردد. البته موارد نادری هست که جز بر پیامبر و امام معصوم آشکار نیست، ولی در بیشتر موارد با اندک تأملی این مصالح و مفاسد آشکار خواهند شد. برای مثال یکی از مصالح وجوب نماز در پنج وقت در شبانه روز این است که انسان از یاد خدا غافل نشود و دائم در یاد خدا باشد و اگر غفلتی هم صورت گرفت با انجام نماز واجب از آن غفلت بیرون آید و یا آن غفلت را از بین ببریم؛ چنان که قرآن می فرماید: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴)، و یا نماز کفاره و پوششی باشد بر گناهان؛ چنان که در روایتی از پیامبر اکرم وارد شده است که نمازهای پنجگانه کفاره گناهان مابین آنهاست^۱ (منسوب به امام عسکری، ۱۴۰۹، ص ۲۳۱).

در اسلام با چهار نوع حکم شرعی مواجه هستیم؛ ۱_ احکام مختص به مرد؛ ۲_ احکام مختص به زن؛ ۳_ احکام عمومی یا مشترک بین زن و مرد؛ ۴_ احکام متفاوت بین زن و مرد یا احکامی که لزوم یا استحباب آن از زنان برداشته شده است، ولی در صورتی که آنها نیز انجام دهند مستحق پاداش خواهند بود (ر.ک: به رهبر، ۱۳۸۸، ص ۷۶-۷۷). هر یک از احکام شرعی مبتنی بر مصالح و مفاسد است و به طور مستقل قابل تحلیل و بررسی است. هم چنین احکام زنان به طور کلی و نیز هر بخش از احکام زنان قابل تحلیل و بررسی است و می توان تحلیلهای مختلفی از آنها داشت. در این زمینه کم و بیش تحقیقاتی به صورت ضمنی صورت گرفته است. اما تحلیل تربیتی تفاوت احکام زن و مرد کمتر صورت گرفته است.

در مورد پیشینه این موضوع باید گفت این موضوع نسبتاً جدید است و با جستجویی که انجام شد تنها تنها دکتر بناری در نشستی در مرکز تخصصی توباً وابسته به دفتر تبلیغات استان قدس رضوی به ضرورت این مسئله پرداخته است (<http://ijtihadnet.ir>). همچنین مقاله ای با عنوان تحلیل و بررسی احکام مربوط به زنان از منظر فقه شیعه (رهبر، ۱۳۸۸) یافت شد که در آن به تحلیل فقهی تفاوت های زن و مرد پرداخته است. همچنین زیبایی نژاد ۱۳۹۱، گاه به تحلیل کلی احکام متفاوت زنان به صورت ضمنی پرداخته و از آن نتیجه گرفته است که این تفاوت در احکام حاکی از تفاوت در مبانی و تکوین زن و مرد است. از اینرو، این مقاله در نوع خود جدید می باشد.

در این مقاله نه در صدد تحلیل و بررسی هر یک از احکام ویژه زنان هستیم و نه به دنبال تحلیل و بررسی همه احکام زنان به طور کلی، بلکه تنها به دنبال تحلیل کلی و بررسی تربیتی برخی از احکام زنان هستیم؛ چون عدم وجوب نماز و روزه در ایامی خاص، عدم استحباب جمعه، جماعت، تشییع جنازه و نظایر آن، عدم استحباب هروله در سعی، عدم حرمت لباس دوخته در احرام و عدم حرمت یا کراهت بیش از دو لباس در احرام، کراهت حرکت از وسط جاده و یا استحباب حرکت از کنار جاده، جداسازی محل نماز زنان از مردان و وجوب یا استحباب تأخر زن از مرد در صف نماز، عدم وجوب جهر در نماز صبح و مغرب و عشا برای زن و نظایر آن.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَلَّى الْخُمْسَ - كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا بَيْنَ كُلِّ صَلَاتَيْنِ، وَ كَانَ كَمَنْ عَلَى بَابِهِ نَهْرٌ جَارٍ - يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خُمْسَ مَرَّاتٍ [و] لَا يُتَّقِي عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ [الذنوب] شَيْئاً. إِلَّا الْمُؤَقَّاتِ الَّتِي هِيَ جُذُ النَّبُوءَةِ وَ الْإِمَامَةِ. أَوْ ظَلَمَ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ تَرَكَ النَّفَقَةَ - حَتَّى يَضُرَّ بِنَفْسِهِ وَ بِإِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

مراد از تحلیل و استنباط دلالت‌های تربیتی این است که احتمالاتی که در علل تفاوتها ممکن است بررسی می‌شود و برخی علل تربیتی برجسته شده و از آن دستورالعمل‌هایی تربیتی استنباط می‌شود.

۲- داده‌های تحقیق

برخی از احکامی که حکم آن نسبت به زن و مرد متفاوت است به شرح زیر می‌باشند:

۱. استحباب بلند گفتن اذان و اقامه بر مردان و عدم استحباب، بلکه عدم جواز آن بر زنان در صورتی که نامحرمی حضور داشته باشد و جواز آن در صورتی که نامحرم صدای اذان را نشنود؛
در شرح لمعه چنین آمده است: استحباب اذان و اقامه در نمازهای پنج‌گانه ثابت است و در نمازهای جهریه (صبح و مغرب و عشا) مؤکد است و برای زنان آهسته مستحب است و اگر نامحرم نمی‌شنود بلندگفتن بر آنها جایز است [نه مستحب] (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۰).
۲. وجوب بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح و مغرب و عشا بر مردان و عدم جواز آن بر زنان مگر این که نامحرم نشنود که در این صورت جایز خواهد بود نه واجب و نه مستحب. نیز مستحب است بلند گفتن بسم الله در نماز ظهر و عصر بر مردان و نه زنان. در تحریر الوسيله این گونه آمده است: واجب است آهسته خواند حمد و سوره در نماز ظهر و عصر و واجب است بلند خواندن آن بر مردان در نمازهای صبح و مغرب و عشا. سپس می‌فرماید: بلند خواندن بر زنان نیست ولی اگر نامحرم صدای آنها را نمی‌شنود مخیر هستند بین بلند خواندن و آهسته خواندن. همچنین می‌فرماید بلند گفتن بسم الله در حمد و سوره ظهر و عصر بر مردان مستحب است. (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲).
۳. عدم استحباب بلند گفتن تلبیه، استلام حجر الاسود و داخل شدن در خانه خدا و هروله در سعی صفا و مروه بر زن.

در حج برخی امور برای مردان مستحب است، ولی برای زنان مستحب نیست؛ مانند بلند گفتن لبیک، لمس حجر الاسود، وارد شدن در کعبه و هروله در سعی؛ چنان که در روایتی از امام صادق وارد شده است که فرمود: بلند گفتن تلبیه؛ لمس حجر الاسود و داخل شدن در کعبه و هروله در سعی بین صفا و مروه بر زنان نیست^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۰۵).

این که در روایت لیس آمده به معنای این است که آن گونه که بر مردان است بر زنان نیست و این یعنی هر کدام از این مواردی که بر مردان واجب است بر زنان واجب نیست و هر کدام بر مردان مستحب است بر زنان مستحب نیست. از این رو جواز به معنای عام آن بر زنان برداشته نمی‌شود و فقط استحباب و وجوب آن از آنان برداشته شده است. البته با توجه به این که همه مواردی که در روایت آمده بر مردان مستحب است استحباب آن بر زنان برداشته شده است.

۱. لَيْسَ عَلَى الْمَرْءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ وَ لَا اسْتِلاَمُ الْحَجَرِ وَ لَا دُخُولُ الْبَيْتِ وَ لَا سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَوْزَةِ بِغَيْرِ الْهَرُولَةِ.

مراد از تلبیه در روایت بلند گفتن تلبیه است و مراد از سعی نیز هروله در سعی است؛ چرا که اساسا سعی را سعی نامیده اند چون در پیمودن بخشی از آن انسان باید بدود و جد و جهد و سعی و کوشش زیادی بکند (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۴۲۴). در مناسک حج نیز چنین آمده است: مستحب است [مرد] از مناره میانه تا جایی که محل بازار عطاران است مانند شتر تند رود... و از برای زنان هروله نیست (محمودی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۸). در این فتوا هیچکدام از مراجع فتوای دیگری ندارند و همه همین فتوا را دارند؛ چنان که در جواهر نیز آمده است: بلا خلاف معتد به اجده فی اصل الحکم؛ بدون اختلاف قابل اعتنایی در اصل حکم (نجفی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۹، ص ۴۲۴).

این که بلند گفتن تلبیه برای زن مستحب نیست وجهش شاید روشن باشد چون رسیدن صدای زن به نامحرم مطلوب نیست. اما دخول در کعبه و استلام حجر چرا؟ روشن است که این دو با توجه به ازدحام جمعیت برای مردان هم سخت است چه رسد برای زنان که مجبور به برخورد با نامحرم می شوند. اما سعی نیز ممکن است گفته شود که برای حفظ وقار زن است که البته این وجه چندان پذیرفته نیست؛ چرا که اساسا هروله برای شکسته شدن ابهت حج گزار است که در این نقطه گدا و پادشاه مستحب است که بدوند و در دویدن وقار و شخصیت انسان شکسته می شود. اگر چنین است پس حفظ وقار زن معنا ندارد، بلکه علت آن حفظ حیا و عفت زن است و این که این سعی موجب برجسته و نمایان شدن هیکل زن و یا حجاب و پوشش زن است، نه وقار او؛ چنان که صاحب جواهر از علامه در تذکره نقل می کند که علت اختصاص این حکم به مردان این است این سعی (هرله) با ستر و پوشش زنان مناسب نیست (ر.ک: همان، ص ۴۲۵) و نیز خود همین مطلب را در علت عدم استحباب بلند گفتن تلبیه برای زنان می گوید (همان، ج ۱۸، ص ۲۷۲). ممکن است گفته شود پس چرا در طواف این مسائل شرط نیست و زن و مرد در کنار هم و چسبیده به هم حج می کنند؟

در پاسخ به این اشکال باید گفت در طواف چاره ای نیست زیرا نمی توان خانه خدا را مانند حرم معصومان زنانه و مردانه کرد؛ چون در این صورت طواف صادق نخواهد بود. افزون بر این ممکن است این مورد به هر دلیلی مستثنی شده باشد. همچنین اشاره ای به تحلیل علی شریعتی در مورد طواف و سعی نیز می تواند در اینجا کارگشا باشد؛ چنان که می گوید: در طواف خداست و بس و در سعی بشر و همین؛ طواف روح و دیگر هیچ و سعی جسم و دیگر هیچ؛ ... طواف دغدغه آسمان و سعی آرامش خاک... طواف پروانه و سعی عقاب... حج جمع بین ضدین عقل و اشراق و دنیا و آخرت است... تکیه بر خدا یا بر خویش (شریعتی، ۱۳۷۸، ص ۸۶-۸۹).

و این یعنی در طواف محو در خداییم و به جسم توجه نیست ولی در سعی محو در انسانیت و در پی دنیا که هر کس احکام خاص خود را دارد.

۴. عدم وجوب یا استحباب نماز جمعه و عدم استحباب نماز جماعت بر زن؛ امام خمینی می گوید: نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می شود، ولی زنان هم می توانند در آن شرکت کنند (همان، ص ۱۰۰۶۳). نیز می فرماید: حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد (همان، ص ۱۰۰۲۵).

این بدان معنا نیست که اگر شرکت کردند ثواب جمعه و جماعت را نمی برند، بلکه بدان معناست که شرکت کردن آنان در جمعه و جماعت مستحب نیست، اما اگر شرکت کردند ثواب جمعه و جماعت را نیز می برند، ولی مردان در صورت شرکت افزون بر این که ثواب جمعه و جماعت را می بردن ثواب انجام عمل مستحبی را نیز می برند.

۵. عدم استحباب نماز در مسجد برای زن؛

صاحب جواهر می گوید: و کیف كان فافضليه المكتوبه في المساجد انما هي للرجال دون النساء و ان اطلق بعض الاصحاب... ، لكن لاتعرف الخلاف بينهم ، بل ظاهرهم الاتفاق عليه في افضليه صلاتها في المنزل من صلاتها فيها رعايه للستر المطلوب منه و حذرا عن الافتتان بهن و الفتنة بسببهن لو خرجن اليها مجتمعه مع الرجال؛ در هر صورت برتری نماز واجب در مسجد برای مردان است نه زنان، گر چه برخی از اصحاب حکم را مطلق آورده اند...، ولی اختلافی بین آنها نیست، بلکه ظاهر کلامشان اتفاق و اجماع بین آنهاست که افضل برای زن نماز خواندن در منزل است تا نماز در مسجد؛ بخاطر رعایت ستر و پوشش که برای زنان مطلوب است و پرهیز از فتنه ای که در اجتماع آنها با مردان هست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۴، ص ۱۴۹). هم چنین در روایتی از امام صادق (ع) وارد شده است که فرمود: خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ؛ بهترین محل برای نماز زنان خانه هاست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۳۸).

چرا نماز جماعت و نماز در مسجد که آن همه ثواب دارد به طوری که در نماز جماعت روایت است که اگر تعداد شرکت کنندگان از ده نفر گذشت اگر همه دریاها مرکب و همه درختان قلم و همه آسمانها کاغذ و همه جن و انس و ملائکه نویسنده شوند نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۶، ۴۴۴)، برای زنان مستحب نیست و منزل آنها مسجد آنها شمرده شده است؟ آیا غیر از حفظ حرمت و شخصیت و عرض آنها باعث این حکم شده است؟!

روشن است که چنان که صاحب جواهر بیان کرد محفوظ بودن آنها و پرهیز از فتنه و فساد باعث چنین حکمی است و این حاکی از آن است که ورود زنان به جمع مردان و اجتماعات عمومی از نظر شارع مطلوب نیست گرچه جایز است.

۶. عدم جواز امامت جمعه و جماعت زن، مگر بر زنان (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۹).

این فتوای اکثریت قریب به اتفاق علماست که زن نمی تواند برای مرد و حتی خنثی نمی تواند برای خنثی امامت کند، اما برخی معتقدند که زن برای زن می تواند امامت جماعت کند (ر.ک: بنی هاشمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۰۰۱-۱۰۰۲، مسئله شماره ۱۴۵۳).

مرحوم شهید در لمعه می گوید: لَا تَوُمُّ الْمَرْأَةُ إِلَّا مِثْلَهَا وَ لَا تَوُمُّ ذَكَرًا وَ لَا خُنْثَى؛ زن فقط بر زن امامت می کند، نه بر مرد و نه بر خنثی (شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۰). البته امامت زن بر زن فقط در نماز جماعت است، نه جمعه؛ زیرا نماز جمعه تنها با مردان اقامه می شود و بدون حضور مرد نماز جمعه منعقد نمی شود؛ زیرا یکی از شرایط وجوب نماز جمعه این است که تعداد شرکت کنندگان کمتر از پنج یا هفت نفر نباشد و از شرایط شرکت کنندگان این است که مرد باشند و چون زن نمی تواند برای مردان امامت کند و با حضور تنها زنان نیز

نماز جمعه واجب نمی شود پس امامت جمعه زنان جایز نیست (ر.ک: شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۲).

۷. _ عدم جواز مرجعیت تقلید برای زنان؛

در رساله مراجع چنین آمده است: تقلید در احکام عمل کردن به دستور مجتهد است و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد (بنی هاشمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۴، مسأله ۲). در شرط مرد بودن کسی هم حاشیه نزده است؛ یعنی همه این شرط را قبول دارند.

۸. _ عدم استحباب تشییع جنازه بر زنان، بلکه کراهت حضور آنان در تشییع جنازه (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۷۲) به خصوص زنان جوان (ر.ک: موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۷۵). این در حالی است که حتی معتکفت می تواند برای تشییع جنازه و نماز بر میت از مسجد خارج شود (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۷، ص ۱۸۱).

ممکن است گفته شود این کراهت به خاطر این است که زنان ممکن است شیون و زاری بکنند و یقه چاک کنند. ولی این احتمال درست نیست؛ زیرا اولاً شیون و زاری کردن فقط در مورد زنان فامیل و نزدیک به میت صادق است و ثانیاً شیون و زاری و یقه چاک کردن موجب توجه مردان و در معرض قرار گرفتن عرض و شخصیت زنان خواهد شد. پس اگر به این دلیل هم زنان منع شده باشند به خاطر عواقب نامطلوب آن است نه به خاطر خود شیون و زاری.

۹. _ عدم وجوب جهاد بر زن

صاحب جواهر در این باره می گوید: و هو [الجهاد] فرض علی کل مکلف حر ذکر، غیرهم و لا معذور، فلا یجب علی الصبی و لا علی المجنون و لا علی المملوک و لا علی المرأة بلا خلاف؛ جهاد واجب است بر هر مرد مکلف آزاد و غیر عاجز و معذور، پس بر کودک و دیوانه و برده و زن واجب نیست و در این نیز اختلافی بین فقها نیست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۷-۵).

۱۰. _ عدم جواز قضاوت زن

صاحب جواهر در این باره می گوید: و یشرط فیه [القاضی] البلوغ و کمال العقل و الایمان و العدالة و طهارت المولد و العلم و الذکوره بلا خلاف أجده فی شيء منها؛ در قاضی شرط است که بالغ باشد، عقلش کامل باشد، مؤمن (شیعه دوازده امامی) باشد، حلال زاده باشد، عالم و مرد باشد و در هیچکدام از این شروط بین فقها اختلافی نیست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴۰، ص ۱۲). وی سپس دلیل شرط مرد بودن در قضا را اجماع علما و روایات پیامبر می داند. از جمله روایات این که پیامبر (ص) در وصیت به امیر مؤمنان فرمود: يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَ لَا جَمَاعَةٌ وَ لَا أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ وَ لَا عِيَادَةٌ مَرِيضٍ وَ لَا اتِّبَاعُ جَنَازَةٍ وَ لَا هَرُؤْلَةٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ لَا اسْتِئْلَامُ الْحَجَرِ وَ لَا حَلْقٌ وَ لَا تَوَلِّي الْقَضَاءِ وَ لَا شُسْتِشَارٌ وَ لَا تَذْبِخٌ إِلَّا عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَ لَا تَجَهُّرٌ بِالتَّلْبِيَةِ وَ لَا نَقِيمٌ عِنْدَ قَبْرِ وَ لَا تَسْمَعُ الْخُطْبَةَ وَ لَا تَتَوَلَّى التَّرْوِيجَ بِنَفْسِهَا وَ لَا تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَ جَبْرِئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ...^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۴).

^۱ . علی جان بر زنان جمعه و جماعت، اذان و اقامه، عبادت از مریض تشییع جنازه، هروله بین صفا مروه، لمس حجر الاسود، تراشیدن سر (در حج) و بر عهده گرفتن قضاوت، مشورت، ذبح حیوانات مگر در ضرورت، بلند گفتن لبیک (در احرام) رفتن بر سر مزار اموات و

۱۱. استحباب وارد کردن میت مرد به قبر از سر و میت زن به صورت عرضی (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۸۳). در روایتی نیز وارد شده است این که مستحب است زن را به صورت عرضی وارد قبر کنند بخاطر این است که در این صورت زن مستورتر است؛ عن ابی عبد الله (ع) قال: إِذَا أُدْخِلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ إِنْ كَانَ رَجُلًا يُسَلُّ سَلًّا وَ الْمَرْأَةُ تُؤْخَذُ عَرْضًا فَإِنَّهُ أُسْتَرَّ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲۵).
۱۲. همچنین برای دفن میت زن شوهر نسبت به زن در اولویت است حتی بر زنان اولویت دارد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۸۸)؛ چنان که در روایتی از امام صادق (ع) نیز وارد شده است که فرمود: الزَّوْجُ أَحَقُّ بِأَمْرَاتِهِ حَتَّى يَضَعَهَا فِي قَبْرِهَا؛ شوهر سزاوارتر است به همسرش تا این که او را در قبر گذارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۵).
۱۳. عدم حرمت لباس دوخته برای زن در احرام.
در این باره در مناسک حج چنین آمده است: در احرام پوشیدن دو جامه احرام که یکی لنگ و دیگری ردا است بر مرد واجب است که در لباس احرام شرط است که دوخته نباشد (محمودی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱). همچنین آمده است که زن می تواند در لباس خودش به هر نحو که باشد دوخته یا ندوخته محرم شود (همان، ص ۱۵۳). بنابراین با توجه به این که بر محرم مرد لباس دوخته حرام است ولی بر محرم زن مانعی ندارد باید دید این تفاوت حکم به چه دلیل است؟
این خود بیانگر تفاوت بین زن و مرد است و این که زن و مرد نباید یکسان باشند.
۱۴. در نماز جماعت اگر مأوم یک نفر مرد بود مستحب است کنار امام بایستد، ولی اگر زن بود باید پست سر امام بایستد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۳، ص ۲۵۱)^۱
۱۵. نبودن حایل بین امام جماعت و مأومین و یا بین مأومین از شرایط جماعت است اما اگر مأوم زن باشد مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۳، ص ۱۱۵۴-۱۶۵؛ نیز موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۳).
- اگر حائل مانع است پس چرا وقتی مأوم زن باشد حائل مانع نیست؟ سر این تفاوت در لزوم محفوظ بودن زن از دید مردان است.
۱۶. عدم جواز تقدم زن بر مرد در نماز فر ادا و یا ایستادن در موازات یا کنار هم، مگر این که ده ذراع (حدود ۵ متر) فاصله باشد (ر.ک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۰۲ و نیز ج ۱۳، ص ۲۴۷-۲۵۵ و نیز ج ۱۴، ص ۶۷).
۱۷. عدم جواز اختلاط زن و مرد در صفوف نماز.
در این مورد فتاوی علمای مختلف است عده ای قائل به استحباب تقدم مرد بر زن و یا کراهت مساوات یا تقدم زن بر مرد در نماز هستند مانند (آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی و بهجت)، و عده ای قائل به حرمت تقدم زن بر مرد و بطلان نماز هستند (آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، و سیستانی بنابر احتیاط) (ر.ک: بنی هاشمی، ۱۳۹۳، ج ۱،

شنیدن سخنرانی و ازدواج بدون اذن ولی و خارج شدن از منزل همسر بدون اجازه او نیست و اگر بدون اذن شوهر از منزل خارج شود خدا و جبرئیل و میکائیل او را لعن می کنند

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يُؤْمُ الْمَرْأَةُ قَالَ نَعَمْ تَكُونُ خَلْفَهُ وَ عَنِ الْمَرْأَةِ تَوُمُّ النِّسَاءَ قَالَ نَعَمْ وَ تَقُومُ وَ سَطَأَ بَيْنَهُنَّ وَ لَا تَتَقَدَّمُهُنَّ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۱).

۶۳۴_۶۳۶) که البته این کراهت و حرمت با ایستادن زن پشت سر مرد یا کشیدن پرده و حایل رفع می شود.

۱۸. در حال رفتن به سجده، مستحب است مرد اول دستها را به زمین بگذارد و بعد زانوهای را و زن برعکس اول زانوهای را بر زمین بگذارد و بعد دستها را (بنی هاشمی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۷۵۵). همچنین مستحب است مرد در حال سجده آرنجها و شکم را به زمین نچسباند و بازوها را از پهلوی جدا نگه دارد و زنها آرنجها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضای بدن را به یکدیگر بچسبانند (همان، ص ۷۵۵، مسئله شماره ۱۰۹۱) به نظر می رسد وجه این استحباب عدم برجستگی و نمایان شدن برخی از اعضای بدن زن و محفوظ بودن او از توجه دیگران است؛ چنان که صاحب جواهر می گوید: و هوالمناسب لمخافه ارتفاع عجیزتها ولو فعلت کما یفعل الرجل (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۱۷۲) و شهید ثانی نیز می فرماید لانه استر (شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۶). سؤال این است که اگر پوشیده بودن و استر مطلوب است فقط در نماز که مطلوب نیست به ویژه این که در نماز کسی طمع نمی کند و حال نماز مانع از طمع هست. وقتی در نماز که احتمال طمع کمتر است مستحب است که زن پوشیده تر و محفوظ تر باشد در غیر نماز به طریق اولی مطلوب است؛ چرا که احتمال خطر و طمع بیشتر است. به ویژه این که کنیز و پیره زنی که طمعی نسبت به او نیست حتی می تواند نماز را بدون پوشیدن سر بخواند؛ (ر.ک: موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۹).^۱

۱۹. عدم ولایت مادر بر فرزند صغیر
صاحب جواهر می گوید: لا ولایه عندنا فی عقد النکاح لغير الاب و الجد للاب و ان علا و المولی والوصی و الحاکم؛ از نظر ما در عقد نگاه ولایتی برای غیر پدر، جد پدری، مولی^۲، وصی و حاکم نیست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ص ۱۷۰).

۲۰. کراهت حرکت زن از وسط جاده و استحباب حرکت از کناره های جاده.
مرحوم حر عاملی در وسایل سه روایت از پیامبر، امیر المؤمنین، امام سجاد و امام صادق نقل می کند مبنی بر کراهت حرکت زنان از وسط جاده و استحباب حرکت آنها از کناره ها. از جمله امام سجاد(ع) می فرماید نزد امیر مؤمنان(ع) سخن از زنان به میان آمد، امام فرمود: لاینبعی للمراه ان تمشی فی وسط الطريق ولكنها تمشی الی جانب الحائط (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۸۴).

۲۱. عدم استحباب عیادت مریض برای زن
این حکم در روایت پیامبر به امیر مؤمنان (ع) آمده است؛ ولا عیاده مریض (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۴). (ر.ک: ذیل شماره ۱۰ از همین مقاله).

باید توجه داشت که این موارد تنها به عنوان نمونه در اینجا ذکر شد، و گرنه موارد تفاوت احکام زن و مرد در شرع بیش از این موارد است؛ از جمله احکام ارث، قصاص، دیات و

۱. وَالْفَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (روبین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست (نور، ۶۰).

۲. منظور ولایت مالک برده نسبت به برده است.

نظایر آن که برخی تفاوت‌های زیادی را در بیست باب فقه در یک جلد کتاب مطرح کرده اند (ر.ک: جرفادقانی، ۱۳۹۰)؛ چنان که در وصیت پیامبر به امیر المؤمنین (ع) نیز موارد دیگری چون عیادت از مریض و رفتن بر مزار اموات و نظایر آن نیز بود (ر.ک: رهبر، ۱۳۸۸).

سؤال اصلی پژوهش این است که تفاوت در احکام زن و مرد بر چه اساسی است؟ و این تفاوت‌ها چه دلالت‌هایی در زمینه تعلیم و تربیت دارد؟

۳- تحلیل داده ها و استنباط دلالت‌های تربیتی

روشن است که احکام اسلامی گتره‌ای نیست و مبتنی بر اصول عقلایی است؛ چرا که ریشه احکام فقهی آیات الهی و روایات معصومان (ع) است و حتی احکام احتیاطی نیز بر اساس روایاتی که اصل احتیاط را تجویز کرده و یا مطلوب می دانند می باشد. همچنین شارع مقدس حکیم است و احکام او بر اساس حکمت تشریع می شود. پس احکام متفاوت بر اساس حکمت است و حکمت آن نیز یا مبانی متفاوت است و یا اهداف و مصالح متفاوت. همچنین باید توجه داشت که همه احکام متفاوت لزوماً مبتنی بر مبانی متفاوت نیستند، بلکه گاه ممکن است اهداف متفاوت نیز موجب حکم متفاوت بشود. همچنین چنان که این مبانی برای ما قابل فهم هستند مصالح و اهداف نیز در بیشتر موارد برای ما قابل شناخت خواهند بود، گرچه ممکن است برخی از آنها در شرع بیان نشده باشند.

بنابراین می توان گفت که برخی از این احکام متفاوت مبتنی بر تفاوت‌های زن و مرد و ویژگی های تکوینی و زیستی آنهاست؛ نظیر عدم وجوب جهاد بر زن که به دلیل ضعف جسمانی او و یا شرایط حمل و بچه داری اوست؛ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه، ۹۱). **میبیدی**

(۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۸۹)، مهائمی (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۱۰)، شیخ علوان (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۳۱۵) و صاوی (۱۴۲۷، ج ۲، ص ۶۴) و برخی دیگر از مفسران، مراد از ضعفا را

زنان و کودکان و پیران می دانند. همچنین عدم جواز قضاوت زن، که بر اساس قوت احساسات در زنان است؛ أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْجُلَيْةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (زخرف، ۱۸) (ر.ک: طباطبایی ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۹۰). اما برخی موارد نیز به دلیل رعایت مصالح تربیتی زن و مرد است، نظیر عدم حرمت پوشیدن لباس دوخته در احرام، عدم استحباب جمعه و جماعت، عدم امامت جمعه و جماعت زن برای مرد، عدم استحباب هروله در سعی و یا استلام حجر در طواف و مانند آن برای زنان؛ چرا که این موارد موجب اختلاط زن و مرد و یا در معرض دید قرار گرفتن و یا انگشت نما شدن زن می شود که این امر به لحاظ تربیتی مطلوب شارع نیست؛ چرا که این گونه رفتارها ممکن است بیش از آنکه آثار تربیتی مطلوب داشته باشد

عوارض تربیتی نامطلوب را به دنبال دارد و یا آثار تربیتی آن فردی است ولی عوارض نامطلوب آن اجتماعی است و مصالح اجتماعی بر مصالح فردی در اسلام مقدم است. برای مثال هروله در سعی بیش از آن که در زن تعبد و تواضع ایجاد کند او را و برجستگی های او را و عورت او را در معرض دید دیگران قرار می دهد و شخصیت زن که مورد احترام شارع است مورد خدشه قرار می گیرد و نیز ممکن است موجب مفاسد تربیتی شود؛ چرا که طبق برخی روایات زنان به طور کامل عورت هستند (ابن اشعث، بی تا، ص، ۹۴).

از این رو شارع مقدس به دلیل اهمیت حفظ عورات مؤمنان از این خضوع و تواضع و یا مصلحت فرید می‌گذرد و چیزهایی که اهمیت تربیتی آنها از این بیشتر است و یا مصالح اجتماعی دراد را مد نظر قرار می‌دهد و آن حفظ کیان و عرض و آبروی خانواده و جامعه و حفظ شخصیت زن است. همچنین تشییع جنازه بیش از آن که ثوابی برای زن فراهم آورد او را آزرده خاطر کرده و سلامت روحی و روانی او و نیز سلامت معنوی جامعه را به خطر می‌اندازد و از این رو شارع مصلحت برتر را مد نظر قرار می‌دهد. بنابراین همواره وجود تفاوت آن هم از نوع تکوینی موجب تفاوت احکام نمی‌شود، بلکه گاهی تفاوت تکوینی موجب تشریع حکمی می‌شود و همین حکم نیز منشأ احکام دیگری می‌شود مانند عورت بودن تمامی بدن زن جز وجه و کفین که به دلیل وضعیت ویژه زیستی زن است و همین حکم خود موجب عدم تقدم یا مساوات او با مرد در صفوف جماعت می‌شود. همچنین گاه ممکن است هم تفاوت منشأ حکم متفاوت باشد و هم مصالح باعث آن باشد؛ چنانکه ممکن است تفاوت جسمی و نیز مصلحت حفظ کیان خانواده و سرپرستی فرزندان موجب حکم عدم وجوب جهاد بر زن باشد. پس منافاتی نیست بین این که حکمی ریشه‌های تفاوت تکوینی داشته باشد و مصالحی نیز باعث تشدید یا تقویت حکم بشود.

همچنین مجموعه این احکام را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته احکامی هستند که از آنها استفاده می‌شود که ورود زن به میادین جمعی و مختلط، گرچه جایز است، اما چندان مطلوب نیست؛ دسته دوم احکامی است که از آنها استفاده می‌شود که علت این عدم مطلوبیت حرمت و احترام به شخصیت زن و نیز حفظ کرامت و عدم استفاده ابزاری از زن و مضحکه و ملعبه قرار ندادن اوست. ده مورد اول را می‌توان از قبیل قسم اول دانست و ده مورد دوم را از قبیل قسم دوم.

در میان ده مورد دسته اول سه مورد اول که عبارتند از: ۱_ بلند نگفتن بسم الله و ۲_ آهسته خواندن حمد و سوره نماز و ۳_ تلبیه؛ گرچه به صراحت از ورود به جمع معنی ندارند، ولی گویای این هستند که رسیدن صدای زن به مردان نامحرم که لازمه شرکت در جمعهای مردانه و مختلط است مطلوب نیست و به صورت ضمنی براین دلالت دارند که حضور در مجامع مردانه و مختلط به ویژه اگر منجر به گفتگوی طرفینی باشد مطلوب نیست، اما هفت مورد بعدی که عبارتند از: ۴_ حضور در مسجد، ۵_ نماز جمعه و جماعت، ۶_ تشییع جنازه، ۷_ امامت جمعه و جماعت، ۸_ مرجعیت تقلید، ۹_ قضاوت و ۱۰_ جهاد در راه خدا، به صراحت بیانگر این هستند که ورود به مجامع مردانه و مختلط برای زنان چندان مطلوب نیست. همچنین ده مورد بعدی نیز دلالت دارند بر این که زن حتی اگر در اجتماع هم وارد نشود لازم است به گونه‌ای رفتار کند و یا در مورد او به گونه‌ای رفتار شود که چندان در چشم بیگانگان نمایان نباشد؛ چرا که حتی اگر در جمع هم نباشد احتمال این که عده‌ای بر او وارد شوند و در میان آنها نامحرم نیز باشد وجود دارد. پس بهتر است به گونه‌ای رفتار کند که اگر در منظر دیگران قرار گرفت چیزی که جلب توجه دیگران کند و دیگران به او خیره شوند آشکار و برجسته نباشد. شاهد این برداشت این است که زن می‌تواند برای زنان امامت جماعت کند اما در این امامت جلوتر از مأمومان نمی‌ایستد، بلکه در میان صف مأمومان و همردیف آنها می‌ایستد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۳، ص ۲۵۴). این حکم و نظایر آن بیان گر این است که حتی زنان در مجامع زنانه نیز مطلوب نیست برجسته شوند؛ چرا که

ممکن است به صورت اتفاقی مرد یا مردانی از کنار آن جمع گذر کنند و زنی در این میان (امام جماعت) انگشت نما شود. به ویژه که امروزه ابزار و وسایل فیلمبرداری و عکسبرداری به قدری و فراوان و در دسترس قرار گرفته که حتی کودک سه ساله به راحتی می تواند از انسان و حرکات و سکنات او عکس و فیلم تهیه کند و به سرعت در فضای مجازی به سراسر عالم منتقل کند.

گفتنی است که سخن این نیست که ورود زن به مجامع مردانه و مختلط و یا برجسته شدن آنها جایز نیست، بلکه سخن این است که ورود زن به مجامع مردانه و مختلط و برجسته شدن آنها چندان مطلوب شارع نیست و شارع به این کار تشویق نمی کند؛ چرا که این امر به لحاظ تربیتی هم ممکن است برای زنان زیان آور باشد و هم برای مردان. بنابراین باید توجه کرد که اگر زنانی بخواهند در شرایطی به هر یک از این موارد اقدام نمایند جایز است اما باید بسیار با دقت و حواس جمع و رعایت حدود شرعی و با احتیاط عمل کنند، نه این که آزادانه و با بی احتیاطی و شبیه مردان در این میادین وارد شوند و احتیاطهای لازم را رعایت نکنند که در این صورت دچار مشکلاتی خواهند شد که رهایی از آنها به سادگی ممکن نخواهد بود. چنان که قرآن کریم در موارد متعددی به این مطلب اشاره یا تصریح دارد؛ از جمله قرآن در سوره احزاب می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند (احزاب، ۳۲). طبری در مجمع می گوید: یعنی بنابر عادت زنان جاهلیت نخستین بیرون نیایید و زر و زیور خود را چنان که زنان جاهلیت می کردند ظاهر نسازید. سپس از قتاده نقل می کند که تبرّج به معنای تبختر و خودنمایی در راه رفتن است. همچنین از مقاتل نقل می کند که تبرّج این است که روسری خود را بر سرش اندازد ولی آن را نبندد که گلوبند و گوشواره اش مستور دارد، پس اینها ظاهر گردد. سپس می گوید و بعضی گفته اند: که معنای تبرّج جاهلیت اولی این است که آنها تجویز می کردند که يك زن بین شوهر و رفیقش جمع کند و پائین تنه خود را برای شوهرش قرار دهد و بالا تنه خود را برای رفیقش قرار دهد که او را بوسیده و معانقه نموده و در آغوش کشد (طبری، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۸).

این آیه گرچه در ظاهر مصالح مردان و تربیت آنها را هدف گرفته است ولی در واقع و در پس این پرده مصالح زنان نیز در نظر گرفته شده است؛ چرا که طمع مردان بیمار دل به زنان نیز آسیب می رساند و آنها را نیز دچار فساد و فحشا می سازد در حالی که ریشه و منشا آن تنها نازک و لطیف شدن صدای زن بوده بیمار دلی مرد نیز بر آن افزوده شده و هر دوی زن و مرد را دچار آسیب می کند؛ چنان که در آیه ۵۳ احزاب که خواهد آمد به این اثر دوگانه اشاره دارد (ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ).

روشن است که مطلوبیت ماندن در خانه برای همه زنان مطلق است. از این رو فقها به دلیل ویژگی های زنان پیامبر بر آنها واجب کرده اند، ولی بر سایر ان مطلوبیتش به حد وجوب نمی رسد؛ چنان که نماز شب برای همه مطلوب است، ولی بر پیامبر واجب است؛ زیرا او باید متحمل بار سنگین رسالت شود؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ؛ فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا؛ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا؛ وَ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا؛ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (مزمل، ۱-۵).

بنابر این می توان نتیجه گرفت که اولین نکته تربیتی این است که زن به طور کلی عورت است؛ چنان که در روایتی از پیامبر اکرم وارد شده است که: النِّسَاءُ عَوْرَةٌ أَحْبَسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ وَ اسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى؛ زنان عورت هستند، آنها را در خانه ها حبس کنید و با (تهیه لباس کم) به آنها کمک کنید [تا از خانه خارج نشوند] (ابن اشعث، بی تا، ص ۹۴).

نیز قرآن کریم می فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است!...» (احزاب، ۵۳).
واژه اطهر که افعال تفضیل است و حکایت از تقوا و پرهیز دارد دال بر مطلوبیت است که امری تربیتی است.

همچنین قرآن کریم می فرماید: وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ.... لَعَلَّكُمْ تَقْلَحُونَ ؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)... شاید رستگار شوید (نور، ۳۱). تعلیل پایان آیه مبنی بر رستگاری، شاهد آن است که از این احکام اهداف تربیتی مراد است. بنابراین نکته دوم تربیتی این است که آشکار کردن زینتهای مخفی زنان برای غیر محارم امری غیر تربیتی بلکه ضد تربیتی است و باید از آن پرهیز شود. فرق این آیه با آیه قبل در این است که در آن آیه تعلیل به اطهریت آورده است که افعال تفضیل است و تفضیل واجب نیست بلکه ولی در این آیه تعلیل رستگاری است که برای هر کس لازم است. از اینرو در اینجا حکم به نهی و حرمت شده است ولی در آن آیه به دلیل تعلیل به افعال تفضیل امکان حمل امر بر استحباب وجود دارد.

اصولا این که قرآن برای زنان اسوه و اثره اسوه به کار نبرده است بلکه واژه مثل به کار برده است ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةً تُوحِ وَامْرَأَةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ؛ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ (تحریم، ۱۰-۱۲) در حالی که مثل هم در لغت به معنای الگو و اسوه است برای این است که نمی خواهد زنان را جلودار معرفی کند و آنها را در معرض جامعه قرار داده و برجسته نماید؛ چون هدف اصلی از خلقت زن آرامش بخشی به مرد و تکثیر نسل و فرزند آوری است؛ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم، ۲۱) و نیز: نِسْأَوْكُمْ حُرَّتْ لَكُمْ فَأَتُوا حُرَّتْكُمْ أَنْتُمْ وَفَقِيمُوا أَنْفُسِكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (بقره، ۲۲۳). بنابراین نکته سوم تربیتی این که هدف اصلی زنان باید ایجاد سکونت و آرامش برای خانواده و تکثیر و تربیت نسل با ایمان و فرهیخته باشد، نه انجام امور اجتماعی.

همچنین روایات نیز به صورت صریح مسئله اختلاط مرد و زن و اشتغال زنان در کارهای مردانه را مورد نکوهش قرار می دهند. از جمله این که پیامبر اکرم (ص) دری خاص از مسجد النبی را برای ورود و خروج زنان اختصاص داد. (ابی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۳). همچنین علی (ع) نقل می کند که روزی نزد رسول خدا بودیم، پیامبر پرسید: خیر زنان در چیست؟ ما همه از پاسخ درماندیم و متفرق شدیم. من نزد فاطمه (س) آمدم و داستان را به آن حضرت عرض کردم. حضرت فرمود ولی من پاسخ آن را می دانم؛ خیر زنان در این است که آنها مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند. حضرت علی می فرماید من نزد پیامبر رفتم و پاسخ پرسش وی را دادم. پیامبر فرمود تو که پاسخ را نمی دانستید چه کسی پاسخ را به تو آموخت. عرض کردم فاطمه (س). پیامبر تعجب کرد و فرمود: فاطمه پاره تن من است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۷). همچنین در حدیث مناهی است که پیامبر از سخن گفتن زن با غیر از محارم بیش از پنج کلمه نهی کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۹۷). بنابراین نکته چهارم تربیتی این است که ورود زنان به مجامع عمومی و اجتماعی گرچه جایز است ولی مطلوب نیست و توصیه نمی شود؛ چرا که اگر حرام بود ۵ کلمه هم باید حرام باشد. پس حمل بر کراهت و عدم مطلوبیت می شود که امری کاملاً تربیتی است. چرا که در تربیت سخن از مطلوبیت به نحو عام است نه مطلوبیت خاص که حمل بر وجوب و حرمت می شود و مسئله را کاملاً فقهی می سازد (ر.ک: حسینی زاده ۱۳۹۳، فصل اول).

همچنین حضرت علی (ع) در نامه به امام حسن (ع) می فرماید: وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا تَتَّقُ بِهِ عَلَيْهِنَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَأَفْعَلْ؛ از منزل بیرون رفتن زنان بدتر از این نیست که کسی را که به او اطمینان ندارد بر آنها وارد کنید، پس اگر بتوانی که آنها کسی غیر از تو از مردان را نشناسند این کار را بکن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۸).

توضیح این که امام در اینجا در صدد این نیست که بفرماید به زنان اجازه بیرون رفتن را بده، بلکه در صدد محفوظ نگه داشتن آنهاست؛ یعنی در واقع می فرماید همانطوری که بیرون رفتن آنها اشکال دارد بیگانه را وارد منزل کردن، نیز اشکال دارد و این دو با هم مساوی هستند (رک: همان، پاورقی ۲).

پس نکته پنجم تربیتی این است که همانطوری که ورود زنان به میادین اجتماعی مطلوب نیست ورود نامحرم به منزل هم مطلوب نیست و نباید مربیانی نامطمئن از جنس مخالف نیز به خانه آورد. در این کلام امام به نظر می رسد که تشبیه عکس صورت گرفته است و این برای بیان اهمیت مطلب است؛ زیرا ظاهر این است که ورود نامحرم به منزل مطلوب نیست و قبح این کار برای همه آشکار است و آنچه محل تردید است خروج زنان از منزل است که باید به ورود نامحرم به منزل قیاس شود در حالی که امام عکس این را بیان می کند و می توان گفت که اما قبح آن را مسلم در نظر گرفته است و ورود نامحرم به منزل را با آن مقایسه می کند و این یعنی تصور مردم بسیار اشتباه است که در خروج زنان از منزل تردید می کنند. شاهدش هم آن است که در روایت بعدی امام آن را مسلم در نظر می گیرد و مردم را بر اساس این امر قطعی توبیخ می کند؛ چنان که امیرمؤمنان در توبیخ مردم عراق می فرماید: به من خبر رسیده است که زنان شما در راهها با مردان برخورد می کنند! آیا خجالت نمی کشید!^۱ و در نقلی نیز این گونه نقل شده است که: أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزْجِمُنَّ الْعُلُوجَ؛ آیا حیا نمی کنید و غیرت ندارید که زنانتان در بازارها شانه به شانه مردان راه می روند و با آنها برخورد می کنند (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

همچنین زنی بر مرکبی سوار بود در حالی که مرکب او سرنگون شد و حجاب ظاهر زن کنار رفت، پیامبر به محض ملاحظه سرنگونی مرکب زن روی خود را برگرداند. اصحابی که این صحنه را ملاحظه کردند عرض کردند یا رسول الله نگران نباشید این زن شلوار پوشیده بود. پیامبر خوشحال شد و فرمود: رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْرَوَاتِ؛ خدا رحمت کند زنانی را که شلوار^۲ می پوشند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۷). علت این ترحم پیامبر این است که کسی که شلوار می پوشد اگر هم در اثر طوفان یا حوادث حجاب و پوشش ظاهر او کنار زده شد بدن او نمایان نمی شود و پوشیده می ماند و در معرض دید نامحرم قرار نمی گیرد.

پس نکته ششم تربیتی این است که در صورت لزوم به خروج از منزل باید تمامی احتیاطهای لازم را به کار بر تا زنان و دختران در شرایط احتمالی نیز از نامحرم در امان باشند و حرمت آنها حفظ شود ولو این که کشف عورت به صورت ناخواسته باشد. به عبارت دیگر در مورد زنان باید احتیاطهای لازم را انجام داد و حتی به فکر تصادفات احتمالی نیز بود و برای آنها برنامه ریزی کرد.

همچنین حضرت زهرا (س) پس از این که پیامبر کارها را بین آن حضرت و حضرت علی به این صورت تقسیم کرد که کارهای خانه را حضرت زهرا انجام دهند و کارهای بیرون از خانه را حضرت علی (ع)، حضرت زهرا بسیار خوشحال شد، به طوری که فرمود: کسی جز خدا نمی داند که من چقدر

۱. يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، تُبَيِّنُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟

۲. توضیح این که مراد از شلوار آنچه امروزه به شلوار معروف است نیست، بلکه مراد آن چیزی است که ساق پا را نیز می پوشد که شامل زیر شلوار و شلوار رو می شود.

از این که حضرت کارهای بیرون خانه را از دوش من برداشت خوشحال شدم^۱ (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲).

این در حالی است که انجام کارهای بیرون از خانه در گذشته چندان هم مستلزم ارتباط با مردان نبوده است و یا دست کم بسیاری از کارهای بیرون خانه این گونه بوده است؛ مانند آب آوردن، هیزم جمع کردن، کشاورزی، دامداری و نظایر آن.

نکته هفتم تربیتی این که رعایت احتیاطهای تربیتی به نفع زنان و دختران است و حتی بار تکالیف را از دوش آنها برمی دارد و البته افزون بر آن صرفاً در جهت رشد و هدایت خواهران نیست بلکه در جهت رشد و هدایت برادران و مردان نیز هست و به طور کلی جامعه و خانواده را مصون می سازد. افزون بر این از عدم وجوب جهاد بر زنان و نیز عدم استحباب برخی احکام مانند نماز جمعه و جماعت بر آنها می توان نکته هشتم تربیتی را نیز استفاده کرد و آن این که در تربیت زنان و دختران باید بر آنها سخت نگرفت و بلکه سهل و آسان گیری کرد چنان که امام کاظم (ع) فرمود: هر گاه به کودکان وعده ای دادید به آن وفا کنید سپس در ادامه فرمود خدای تبارک و تعالی برای هیچ چیز مانند امور کودکان و زنان ناراحت نمی شود^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰)؛ یعنی در کار کشیدن از آنها و درخواست از آنها بر آنها سهل بگیرید و آنچه را انجام می دهند از آنها بپذیرید و از آنچه انجام نمی دهند در گذرید؛ چنان که در روایتی از پیامبر در مورد کودکان وارد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰).

همچنین حضرت زهرا (س) در اواخر عمر نگران حتی جنازه خود در تابوت بود که حجم بدنش نمایان نشود، از اینرو اسما با پیشنهاد تابوتی که به صورت مکعب مستطیل شکل بود او را از این نگرانی در آورد.

اسماء بنت عمیس می گوید روزهای آخر زندگی حضرت زهرا با او بودم، روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت، و با ابراز نگرانی فرمود: که چرا جنازه ی زن را روی تخته ای صاف و بدون دیوار می گذارند و بالای دست زنان و مردان حمل می کنند؟! من بسیار زشت می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه ای می افکنند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می دهد. مرا بر روی تابوت آن چنان نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد.

اسما می گوید من خدمت آن حضرت توضیح دادم: در سرزمین حبشه تابوتی برای حمل جنازه ها درست می کنند که بدن میت را می پوشانند و سپس به وسیله ی چوب های تر و شاخه های نازک درخت، شکل و قیافه آن را ترسیم کردم.

حضرت زهرا (س) خوشحال شده فرمود: برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بپوشان، خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید (اربلی، ج ۱، ص ۵۰۳-۵۰۴).

۱. «تَقَاضَى عَلَيَّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلَيَّ فَاطِمَةُ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَ قَضَى عَلَيَّ عَلِيٌّ مَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ»

۲. إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَعُوا لَهُمْ فَأَعْمَمُوا بَرِّوْا أَنْكُمُ الَّذِينَ تَرْتَضَوْنَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَيْشِيَّ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ.

همچنین پیامبر اکرم در روایتی فرمود: «كَيْفَ بَكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شُبَّانُكُمْ، وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟!» فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بَكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بَكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟!» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵).

در این روایت پیامبر اکرم ابتدا بر فساد زنان و فسق جوانان تأکید می کند. شروع فساد زنان از ورود به میادین مردانه است. اگر زن در محیط زنانه باشد که چندان فساد می ندارد. پس آیا اکنون همان زمان نیست که بجای ترویج کارهای خانگی و عدم اختلاط، کارهای بیرونی و اختلاط ترویج می شود؟

همه این آیات و روایات بر فاصله و حریم گرفتن مردان و زنان از همدیگر تصریح و یا دلالت ضمنی دارد و این نشان می دهد که آمیختگی زن و مرد از نظر اسلام مطلوب نیست و تسهیل نمی شود.

نکته نهم تربیتی این است که اگر بر حفظ حریم زنان نکوشیم و نسبت به آن توجه چندانی نکنیم انحراف از همینجا آغاز می شود ولی به آن ختم نمی شود، بلکه به فسق جوانان و تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر، بلکه به جابجا شدن منکر و معروف می انجامد و کل جامعه را دچار دگرگونی خواهد ساخت.

همچنین سیره حضرات معصومان این گونه بوده است که زنان آنان معمولاً از منزل بیرون نمی آمدند و به میادین عمومی ورودی نداشتند مگر مواردی استثنایی که از روی ناچاری بوده است؛ مانند خروج حضرت زهرا (س) برای دفاع از امیر مؤمنان (ع) و یا خروج زینب کبری (که البته از کربلا به بعد بالاجبار بود) برای اتمام رسالت امام حسین (ع). از اینروست که وقتی از امام سجاد (ع) می پرسند کدامیک از مصائب بر شما سخت تر بود، پاسخ می دهند الشام! الشام! الشام! (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۸، ص ۴۹۵) در حالی که در کربلا سر مبارک پدر بزرگوارش از بدن جدا شد و ۱۸ تن از برادران و جوانان و کودکان نزدیک وی کشته شدند. این که امام شام را مطرح می کند به آن دلیل است که در شام اهل و عیال و حرم آن حضرت در کوچه و خیابان گردانند و نگاه نامحرمان به آنها خیره شد. همچنین حضرت ام کلثوم در پاسخ سهل ساعدی یکی از محبان که پرسید آیا کمکی از من بر می آید فرمود: اگر پول همراه دارید قدری به نیزه دار سر مطهر امام بده تا سر را از میان ما بیرون ببرد تا مردم با اشتغال به تماشای سر کمتر به ما نگاه کنند. سهل هم ۴۰۰ دینار به نیزه دار داد تا سر را از جمع اسرا بیرون برد (موسوی مقرر، ۱۳۸۹، ص ۳۳۸).

در مورد حضرت زینب نیز یحیی مازنی می گوید مدت زیادی در همسایگی امیر المؤمنین (ع) در کنار منزلی بودم که زینب دختر حضرت در آن زندگی می کرد. در این مدت نه زینب را دیدم و نه صدای او را شنیدم. هرگاه می خواست به زیارت جدش برود شب می رفت در حالی که امیر المؤمنین (ع) در جلوی او و حسن و حسین در دو طرف او حرکت می کردند و وقتی نزد قبر می رسیدند حضرت جلوتر می رفت و فتیله چراغ را پایین می کشید. یکبار حسن از او پرسید چرا چنین می کنید امام فرمود تا کسی خواهرت زینب را نبیند (بحرانی اصفهانی، ج ۱۱، ص ۹۵۵).

همچنین آن مخدره در محضر یزید هنگامی که یزید با چوب خیزران به لب و دندان ابا عبدالله می زند، به جای این که بگوید به لب و دندان حضرت زن او را چنین خطاب می کند: امن العدل یا بن الطلقاء تخذیرك حرائرك و امانك و سوقك بنات رسول الله سبايا، قد هتكت ستورهنّ و ابدیت وجوههنّ، تحذوا بهنّ الاعداء من بلد الی بلد و یستشرفهنّ اهل المناهل و المناقل و یتصفّح وجوههنّ

القریب و البعید، و الدنّی و الشّریف، لیس معهنّ من رجالهنّ ولیّ و لا من حماتهنّ حمیّ، ای پسر آزاد شدگان که جدّمان (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه) اسیرشان کرد و سپس آنها را آزاد نمود، آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را (در حالی که پوشش مناسبی ندارند) به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی، پرده آنان را بدرّی و روی آنان را بگشایی تا دشمنان آنان را از شهری به شهری ببرند و بومی و غریب چشم به آنها دوزند و نزدیک و دور، شریف و پست، چهره آنها را بنگرند، از مردان آنها نه پرستاری مانده است و نه یآوری و نه نگهدار و کمک‌کننده‌ای؟ (ابن طاووس، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰). بنابراین نکته دهم تربیتی این است که حضرات معصومان الگوی تربیت ماهستند و ما باید مطابق رفتارهای آنها رفتار کنیم تا تربیتی اسلامی داشته باشیم و گرنه صرف گفتن تربیت اسلامی و عدم تطبیق و تطابق با رفتارهای الگوهای اسلامی تربیت اسلامی تحقق نخواهد یافت و همان خواهد شد که امروزه جوامع اسلامی گرفتار آن است.

این دو روایت حساسیتهای اهل بیت نسبت به حضور زنان و دختران در مجامع عمومی و در معرض دیگران را نشان می دهد. بنابر این ما نباید موارد استثنا را دلیل بر جواز بلکه ترویج و مطلوبیت حضور زنان در جوامع عمومی بگیریم بلکه باید آنها را به همان صورت استثنا و ضرورت تفسیر و تحلیل کنیم و دغدغه اصلی پیامبر و ائمه را همان حفظ حجاب و عورت خانواده و جامعه بدانیم و حتی در مسائله شغلی و تحصیل و تدریس نیز بر جدایی زن و مرد و محافل آن دو از همدیگر تأکید و تکیه کنیم تا هم خانواده و هم جامعه و هم افراد را از رشد و تعالی باز نداریم و هم به رشد و تعالی آنها کمک کنیم.

۴- نتیجه گیری

با توجه به این که زن و مرد در احکام بسیاری باهم تفاوت دارند، به طوری که می توان گفت در تمامی ابواب فقه کم و بیش احکام متفاوتی بین زن و مرد وجود دارد و با توجه به این که شارع مقدس حکیم است می توان گفت که این تفاوت در تشریع یا مبتنی بر تفاوت در تکوین زن و مرد است و یا مبتنی بر مصالحی که از احکام متفاوت حاصل می شود و یا مبتنی بر هر دوی اینهاست. افزون بر این تفاوت در احکام بیان شده، به صراحت و یا به صورت ضمنی بیانگر این است که ورود زنان به میادین عمومی چندان مطلوب شارع نیست و اگر زنان بخواهند وارد این میادین بشوند باید احتیاطهای لازم را رعایت کنند و مصالحی را که شارع برای آنها در نظر گرفته است رعایت کنند و گر نه هم خود دچار عوارض نامطلوب تربیتی آن خواهند شد و هم جامعه را دچار آن عوارض خواهند کرد. البته تفاوتهای زنان در احکام بیشتر به نفع زنان است و رعایت مصالح آنان را دنبال می کند؛ چنان که آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومان (ع) نیز بر این تحلیل و استنتاج دلالت دارند. گفتنی است که عدم مطلوبیت ورود زنان به میادین عمومی به معنای حرمت ورود آنها نیست بلکه عدم مطلوبیت عام مراد است که هم با حرمت سازگار است و هم با جواز و هم با کراهت. بنابر این آنچه می توان گفت این است که است ورود آنها به میادین عمومی مطلوب شارع نیست که حکم موارد خاص هریک ممکن است متفاوت باشد. اما در عین حال این عدم مطلوبیت لزوم احتیاط در موارد ورود را نیز تأکید می کند.

۵- منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغ (۱۳۷۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.

ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا)، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران: مکتبه النینوا الحدیثه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۹)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، تهران: مطهر.

ابی داود، سلمیان بن اشعث سجستانی (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، بی جا: دار الفکر.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز: بنی هاشمی.

بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۱۳ق)، عوالم المعارف....، قم: مؤسسه الامام الهمهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بنی هاشمی، سید محمد حسن (۱۳۹۳)، توضیح المسائل مراجع، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جرفادقانی، ابوالقاسم ابن محمد (۱۳۹۰)، فقه زنان (رساله سلیمانیه)، تحقیق و تصحیح مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم: سهل.

حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۰)، جواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی، تهران: دهقان.

_____ (۱۴۱۶ق_۱۳۷۴)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، (۳۰جلدی)، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث.

حسن بن علی (۱۴۰۹ق) التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، قم: مدرسه الامام المهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف).

حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۳)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۱: تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ سیزدهم.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: آل البیت.

رهبر، مهدی (۱۳۸۸)، تحلیل و بررسی احکام ویژه زنان از منظر فقه شیعه، بانوان شیعه، سال ششم، ش ۲۱، صص ۷۱-۱۰۹.

شریعتی، علی (۱۳۷۸)، تحلیلی از مناسک حج، تهران: الهام.

شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

شیخ علوان، نعمت الله بن محمود (۱۹۹۹م)، الفواتح و المفاتیح الغیبیه: الموضحه للكلم القرآنیه و الحكم الفرقانیه، قاهره: دار رکابی للنشر.

صاوی، احمد بن محمد (۱۴۲۷ق)، حاشیه الصاوی علی تفسر الجلالین، بیروت: دار الکتب العلمیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.

طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف: مکتبه الحیدریه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۸)، تاریخ زندگی پیشوایان معصوم، قم: نوید اسلام.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: اسلامیه.

محمودی، محمد رضا (۱۳۹۳)، مناسک حج مطابق با فتاوی امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.

موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسيله، تهران: اسلامیه.

موسوی مقرر، سید عبد الرزاق (۱۳۸۹)، مقتل الحسین، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

مهائمی، علی بن احمد (۱۴۰۳ق)، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، بیروت: عالم الکتب.

میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، عده الابرار، تهران: امیر کبیر.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: آل البیت.

<http://ijtihadnet.ir>. ۹۶/۱۰/۲۷